



شناسایی عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق از دیدگاه زنان و ارائه الگوی مدیریتی کاهش آن (مورد مطالعه: منطقه یک شهرداری تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۵

ساناز گلیجانی مقدم

دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی گرایش خط مشی گذاری و تصمیم گیری،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. dr.sgmoghadam@gmail.com

سید رضا صالحی امیری

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و
تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) dr.salehiamiri@gmail.com

کامران محمدخانی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. globecampus@gmail.com

عباسعلی قیومی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. ghaiyoomi@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق از دیدگاه زنان منطقه یک شهرداری تهران می باشد. پژوهش توصیفی پیمایشی، کاربردی و آمیخته می باشد. جامعه آماری شامل کلیه زنان منطقه یک شهر تهران و نمونه آماری با توجه به جامعه نامحدود با فرمول کوکران، شامل ۴۹۲ نفر می باشد. ابتدا از طریق مصاحبه نیمه ساختمند از صاحب نظران و خبرگان جهت اخذ اعتبار روایی محتوایی، عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق با روش دلفی استخراج و در نهایت با تهیه دو پرسشنامه الف- محقق ساخته، ب- تناسب الگو پژوهش ادامه یافت و جهت اخذ اعتبار صوری بصورت آزمایشی از آزمون کرونباخ با ۰/۹۷ بدست آمد. تجزیه و تحلیل آماری پژوهش از آزمون ناپارامتریک دو جمله ای، آزمون فریدمن و برای تعیین تناسب الگو از آزمون t تک گروهی و تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری ترکیبی استفاده گردید. یافته ها به طور کلی با رویکرد آسیب شناسی رفتاری، ساختاری، زمینه ای (محیطی)، در ابعاد فرد، خانواده، دولت و جامعه مورد بررسی قرار گرفتند و هر یک از عوامل فرهنگی به ترتیب؛ نابرابری، عدم اعتقادات مذهبی، تضاد فرهنگی، سبک زندگی، گردشگری، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فضای مجازی)، تحصیلات و عدم آموزش مهارت های زندگی، تجملات زندگی و شهری، مهاجرت، تهاجم فرهنگی و در نهایت رسانه ها شناسایی شدند و الگوی مدیریت فرهنگی در رفتار فردی، رفتار خانوادگی، ساختار نهادهای دولتی، محیط زمینه ای جامعه، جهت کاهش طلاق در میان زنان تدوین و ارائه گردید.

کلید واژه ها: طلاق، عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، الگوی مدیریتی کاهش طلاق، زنان منطقه یک شهرداری تهران

مقدمه

طلاق، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است. رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه‌ی ایرانی، آن را به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل کرده است. افزایش روبه رشد تقاضای طلاق از سوی زنان در مناطق مرفح نشین یک، دو و سه تهران، چند وقتی است که حکایت از بحران شدید بنیان خانواده را دارد. دادگاه‌های خانواده با ارائه آمار تعداد ۱۰هزار و ۴۳۲ مورد درخواست طلاق و ۲۸ هزار و ۹۳۸ کورد درخواست طلاق توافقی را در دادگستری شهر تهران از سوی زوجه را در سال ۱۳۹۵ به ثبت رسانده اند (خبرگزاری برنا، ۱۳۹۵). طلاق بر چرخه‌ی زندگی خانوادگی، تأثیرات مخرب و نیرومندی می‌گذارد و با اژه‌م‌پاشیدگی زندگی مشترک، با مجموعه‌ی گسترده‌ای از شاخص‌های سلامتی در ارتباط است. طلاق دارای عوارض منفی متعددی است و باعث می‌شود که افراد درگیر در این مسئله دچار مشکلات روانی، عاطفی، اجتماعی، و اقتصادی فراوانی شوند و به نوع کیفیت زندگی شان دستخوش تغییراتی در جهت منفی شود. کیفیت زندگی را می‌توان به عنوان ارزیابی (قضاوت) مردم نسبت به زندگی شان بیان کرد (دینر، ۱۹۸۴؛ میرز و دینر ۱۹۹۵؛ به نقل از لی ۲۰۰۲). در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نو گرایی و پای بندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل هاست. در این مرحله حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی ارزش دیروز در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر قدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی نیروهای حاکم بر جامعه جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌شود، بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده کرد، ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی کسان نیست، نسل‌های هم دوره با این تحولات سریع اجتماعی نمی‌توانند معیارهای همه پسنندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند، در این احوال کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی آذر، ۲۸۱:

۱۳۷۵). به طور کلی طلاق گونه‌ای گسیختگی خانواده است و به انحلال قانونی و شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط مقرراتی گویند (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). طلاق مکانیسمی است قرار دادی در اکثر جوامع پذیرفته شده، این مکانیسم اجتماعی به مرد یا زن و در صورت توافق به هر دو امکان می‌دهد تا تحت شرایطی و طی مراحل پیوند زناشویی خود را گسسته و زندگی جدیدی را تجربه کنند. ممکن بودن و پذیرش درخواست طلاق از ضرورت آن حکایت می‌کند زیرا گسیخته شدن پیوند زناشویی به ادامه تنش‌های زندگی برتری دارد و عمل بخردانه محسوب می‌شود. همه نظام‌های زناشویی، زندگی مشترک در انسان با علایق فردی متفاوت و نیازها و ارزش‌های مختلف را الزامی می‌سازد و بنابراین تمامی نظام‌های همسرگزینی، نارضایتی و نابخشودنی را دامن می‌زنند. همه درخواست طلاق‌ها به نفع آسیب اجتماعی نبوده فقط زمانی از این مقوله به شمار می‌روند که رواج یابند و گسترش پیدا کنند و امکان پیشگیری، کاهش یا کنترل آن قابل طرح به نظر آید. بسیاری از درخواست‌های طلاق واقع شده، خارج از اراده و خصایص فردی رخ می‌دهد و محصول ساختار اجتماعی و فرایند تاریخی آن است و لذا با تمهیدات و اقداماتی در جهت تغییر شرایط، قابل جلوگیری یا حداقل کاهش است. طلاق گونه‌ای از گسیختگی خانواده است و به انحلال قانونی و شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط مقرراتی گویند. (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). نتایج متعدد تحقیقات در زمینه طلاق در ایران و خارج از ایران تا به حال در عواملی همچون؛ عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل روانشناختی پرداخته شده است، لذا پژوهشگر با توجه به این خلاء علمی در این پژوهش هدفمند قصد دارد فقط به عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان می‌پردازد.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

انسان ایرانی معاصر که در متن چیزی تحت عنوان حیات اجتماعی خانواده شکل گرفته، پس خارج از خانه و خانواده جایی برای زیست جدی وی، وجود ندارد (آزادارمکی، ۱۱۶: ۱۳۸۹). از نظر دیدگاه کارکردگرایی ساختاری؛ خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد و مهمترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است (همان، ۲۷: ۱۳۸۹). نهادهای سه گانه خانواده، دین و

دولت؛ پایه و ستون‌های اصلی جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند و هریک به لحاظ تاریخی و اجتماعی در ساختن، حرکت و نجات از بحران‌ها نقش آفرین اند و کارکردهای این سه نهاد اجتماعی در شبکه تعاملی سامان یافته است (همان، ۱۱۷: ۱۳۸۹). طبق دیدگاه کارکرد گرایي ساختاری پارسونز تعاملات بین فردی و بین نهادهای اجتماعی، نظام اجتماعی را سامان می‌دهد. افراد و نهادها تنها سامان دهنده حیات اجتماعی نیستند بلکه افراد، نهادها و شبکه روابط اجتماعی در تعامل با هم اند (همان، ۱۱۸: ۱۳۸۹). خانواده همچون گروهی است که از طریق ازدواج، تولد، قبول فرزند یا تعریف مشترک مرتبط است. از نظر نظریه کارکردگرایي ساختاری پارسونز در تجزیه و تحلیل مسائل خانوادگی توجه ما را به چگونگی شکل گیری رفتارهای فردی به وسیله ساختارها، متمرکز می‌کند. اگر چه افراد امکان انتخاب برای عمل دارند، ولی انتخاب‌ها از طریق ساختارها شکل داده می‌شود. از این منظر خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که برعهده دارد و مهم ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است (آزادارمکی، ۲۷: ۱۳۸۹). پیوستگی بین نهادها و نیروهای اجتماعی در ایران موجب شده است خانواده ضمن اینکه نهاد اثر گذار باشد در یک نظام تعاملی با دیگر نهادها دچار تغییر و تحول شود. فرض بنیادی در معرفی جامعه ایرانی اهمست و حضور سه نهاد اجتماعی اصلی است. این سه نهاد (خانواده، دین، جامعه)، به لحاظ تاریخی و اجتماعی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی نقش آفرینی بیشتری دارند و بسیاری از کارکردهای دیگر نهادها همچنان به عهده این سه نهاد گذاشته شده است. نهاد سنتی ماندن جامعه، حضور محدود ولی موثر نهادها، عدم تمایز و تفکیک نهادی، قدرت نهادهای اشاره شده و عاملیت تاریخی ایرانیان، راه حل جدید بین سنت گرایي اجتماعی و مدرنیسم (آزادارمکی، ۵۰: ۱۳۸۹). شهرنشینی، اقتصاد صنعتی، توسعه نظام اداری، توسعه شبکه حمل و نقل، توسعه وسایل ارتباط جمعی و تحقق نهادهای اجتماعی چون آموزش و پرورش و دانشگاه، و... زمینه و عوامل موثری را در تغییر و تحول خانواده‌های ایرانی را فراهم نموده است. (آزادارمکی، ۶۹: ۱۳۸۹). طلاق یک پدیده پیچیده‌ای است که باید در یک متن دموگرافیک، اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و حقوقی خودش مورد ملاحظه قرار گیرد. طلاق به دلیل یک علت واحد روی نمی‌دهد

و از روز عقد قابل پیش بینی نیست. اکثر عوامل در سطوح چندگانه (اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، دموگرافیک، فردی) و به طور تعاملی باعث اضمحلال خانواده می‌شود (کلارک استوارت؛ برنتان، ۶۳: ۱۳۹۲). فرهنگ؛ به اعتقاد تایلور فرهنگ یا تمدن با مفهوم گسترده‌ای که در قوم نگاری دارد، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و دیگر عادات و توانایی‌هایی است که انسان به عنوان عضو جامعه داراست (کوزر و روزنبرگ، ۴۴: ۱۳۸۷) گی روشه، فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است از جانب تعداد زیادی از افراد فراگرفته شده، بین آن‌ها مشترک و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به جمعی خاص و متمایز مبدل سازد (روشه، ۱۲۳: ۱۳۷۹). آسیب شناسی در زمینه فرهنگی اصولا به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه ساز، پدیدآورنده یا ثبات بخش فرهنگی و آفات آن می‌پردازد (بابایی، ۱۳۸۴ ص ۱۱۶). بنابراین، آسیب شناسی فرهنگی به بررسی آفاتی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتار و کنش‌های رایج افراد جامعه را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (رهنمایی، شماره ۳۲ ص ۴). آسیب شناسی فرهنگی، شناخت نوعی بی‌تعالی نظام فرهنگی است که بررسی آفاتی می‌پردازد که ماهیت فرهنگی دارند. در حقیقت آسیب شناسی فرهنگی، شناخت عوامل و عناصری است که بنیان‌های شکل دهنده فرهنگ جامعه اعم از ارزش‌ها، سنت‌ها، هنجارها، رفتارها و کنش‌های رایج افراد را متزلزل می‌سازند. از این منظر، یکی از مواردی که موجبات عدم پویایی فرهنگی هر کشوری را فراهم می‌آورد گسترش آسیب‌های فرهنگی و ناکارآمدی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی آن کشور است. گسترش آسیب‌های فرهنگی در جامعه باعث به وجود آمدن نوعی گریز از ارزش‌های رسمی و دوگانگی ارزشی در جامعه می‌شود. تاکنون در زمینه فرهنگ و مسائل فرهنگی مباحث گوناگون و در خور توجهی مطرح شده است، اما هیچ کدام مستقلا به شناسایی، بررسی و ارزیابی آسیب‌های فرهنگی نپرداخته‌اند؛ هر چند این مباحث با هدف مبارزه با این قبیل آسیب‌ها رقم خورده‌اند. در میان این مباحث، موضوعاتی چون بحران فرهنگی، استحاله فرهنگی، اشاعه فرهنگی، امنیت فرهنگی، و تحولات فرهنگی با موضوع آسیب شناسی فرهنگی بی‌ارتباط نیستند؛ هر چند دقیقا محتوا

مواردی مانند عدم تناسب و ناهمگنی نژادی، فرهنگ‌های متفاوت زوج‌ها، تفاوت در سرمایه اجتماعی، تفاوت در سبک زندگی، تفاوت در سلیقه فرهنگی، ازدواج در سن پایین، تحصیلات پایین شوهر نسبت به زن، ازدواج مجدد زوج‌ها و تفاوت مذهبی، یا پایبند نبودن به اعتقادات مذهب باشد که هم در جوامع دیگر و هم در جامعه ایران به اثرات منفی آن روی ثبات زناشویی اشاره نموده‌اند (کاملی ۱۳۸۶). روند فعلی ازدواج و طلاق محصول دهه‌ها سال تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. عوامل تاریخی و اجتماعی متعددی در دیدگاه‌های امروزی در مورد ازدواج و طلاق تاثیر دارند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که لفظ توافق در این گونه طلاق‌ها قابل تامل است، زیرا تامل در شرایط منجر به طلاق توافقی و کمی سازی مقولات، حاکی از آن بود که در نزدیک به ۳۲٪ طلاق‌های توافقی واژه توافق برانزده نیست. زیرا زن کاملاً با اجبار و از روی استیصال، اجبار و تهدید تن به آن داده است (موسوی، ۲۸۷: ۱۳۹۵).

- تغییر در نقش خانواده و طلاق: تعریف خانواده در طول زمان تغییر کرده است. بنا به تعریفی که در سال ۱۹۳۴ ارائه شد خانواده رابطه‌ی است میان والدین و فرزندان که برای مدت نامعلومی ادامه دارد (نیمکف و آگبورن، ۱۹۳۴ص ۶). در سال ۱۹۷۱ خانواده چنین تعریف شد: گروهی از افراد که با پیوند ازدواج، همخون یا رضاعی به هم پیوسته‌اند و با یکدیگر در نقش‌های احترام آمیز زن و شوهر، پدر و مادر، پسر و دختر، برادر و خواهر تعامل داشته و هر یک فرهنگ مشترکی را خلق و حفظ می‌کنند (بارگس، لوک و توماس ۱۹۷۱ص ۷). در سال ۱۹۹۰ خانواده شامل هم خانگی گروه‌هایی تلقی شد که در طول زمان از افرادی تشکیل می‌شود که روابط صمیمانه داشته و بر اساس زیستی، قانونی، آداب و رسوم یا انتخاب و معمولاً از لحاظ اقتصادی هم وابستگی دارند (آلدوس و دامون، ۱۹۹۰ص ۱۱۳۷). سلامت خانواده در چهار طبقه جای دارد: سلامت فردی، سلامت نهادی، سلامت تعاملی و سلامت جامعه‌ای (پناغی و همکاران، ۱۷۹: ۱۳۹۵).

- تحصیلات و طلاق: وضعیت تحصیلی، شغل و منابع اقتصادی نیز روی تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و طلاق تاثیر دارد. تحصیلات دانشگاهی می‌تواند تاثیرگذار باشد. احتمال ازدواج مردان و زنان لیسانسه نسبت به آنهایی که دبیرستانی هستند یا چند کلاس دانشگاه را گذرانده‌اند بیشتر و احتمال جدایی آنها کمتر است (کریدر و فیلز، ۲۰۰۱). شغل نیز یک امر مهم برای

و متدولوژی را دنبال نمی‌کنند. چنانچه بخواهیم ارتباط منطقی این مبحث را ارزیابی کنیم باید اذغان کنیم که استحاله فرهنگی عامل ایجاد، نفوذ و بروز آسیب‌های فرهنگی و بحران فرهنگی، ثمره بروز و شیوع این دسته از آسیب‌هاست (صالحی امیری، ۶۲: ۱۳۹۲-۶۳). رویکردهای فرهنگی به آسیب‌شناسی فرهنگی: الف- رویکرد ارزش‌های فرهنگی؛ آسیب فرهنگی در حقیقت نوعی تعارض، ناهمگونی و اختلال در ارزش‌ها، باورها و رفتارهای آحاد جامعه نسبت به ارزش‌های حاکم است. آسیب فرهنگی در حقیقت محصول گسترش شکاف میان ارزش‌های رسمی (اعلامی) و ارزش‌ها، باورها و عملکرد فرهنگی حاکم بر جامعه (اعمالی) است (شکاف میان ارزش‌های رسمی و غیر رسمی جامعه). آسیب فرهنگی تغییر تدریجی شکل و محتوای فرهنگ حاکم بر جامعه است، به نحوی که با گذشت زمان استحاله فرهنگی در نظام فرهنگی صورت می‌گیرد. ب- رویکرد ساختاری؛ آسیب فرهنگی نوعی کژکارکردی در سطح سیاست‌ها، نظام‌ها، ساختارها، مدیریت، اهداف، برنامه‌ها و کارآمدی نظام فرهنگی در مسیر دستیابی به آرمان‌ها و اهداف نظام فرهنگی است. آسیب فرهنگی معلول فقدان انسجام و اجماع در میان نخبگان، سیاستگذاران، مدیران، ساختارها، نظام‌ها، اهداف برنامه‌ها و کارکرد نظام فرهنگی است. فقدان انسجام، یکپارچگی و گفت‌وگو مشترک فرهنگی میان مردم و نظام فرهنگی به تدریج تعارض و دوگانگی را در جامعه شکل می‌دهد. بروز چنین آسیب فرهنگی تلقی می‌گردد. ج- رویکرد توسعه فرهنگی، آسیب فرهنگی عبارت است از ایجاد وضعیتی که نظام فرهنگی از دستیابی به تعالی و تحول، ارتقاء و توسعه فرهنگی دچار اختلال می‌شود و بدون پیشگیری و مدیریت این آسیب‌ها امکان حرکت به سوی توسعه فرهنگی میسر نیست. آسیب فرهنگی، اختلالی در حرکت و زیست فرهنگی جامعه در مسیر دستیابی به توسعه فرهنگی است. د- رویکرد اجتماعی؛ آسیب فرهنگی محصول تاخر و ناامنی فرهنگی در مسیر حرکت جامعه به سمت آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی است، به نحوی که اکثر جامعه‌تداوم این وضع را زینبار و رفع آن را ضروری تلقی می‌کنند. آسیب فرهنگی خروج منظومه فرهنگی از مدار ارزش‌ها، هنجارها، باورها و بروز تعارض و اختلال در نظم، تحول، پویایی و اثربخشی در نظام فرهنگی است (صالحی امیری، ۶۴: ۱۳۹۲). عوامل فرهنگی یکی از عواملی است که روی ثبات و عدم ثبات زناشویی تاثیر می‌گذارد. این عوامل می‌تواند تحت

امروزه نقش عمده‌ای در تزلزل نظام و بنیان خانواده دارد، گسترش تصاویر و فیلمهای نامتعارف از سوی رسانه‌های بیگانه است. اثرآفرینی بدحجابی و بی حجابی و نیز نشر آن از طریق رسانه که امروز در اقصی نقاط جهان قابل دسترسی است، در زمینه سازی طلاق و فروپاشی خانواده‌ها امری غیر قابل انکار است (مسترجمی و محمدپورمیر، ۲۶: ۱۳۹۵).

- نابرابری و طلاق: علت دیگر طلاق نابرابری‌هایی است که احتمالا در تقسیم کار در خانه وجود دارد. مقتضیات روزافزون کار و خانواده که با افزایش مشارکت زنان در بازار کار همراه شده نرخ طلاق را افزایش داده است. همین مسائل در صحنه ی کوچکی از خانواده به طلاق منجر می‌شود. نتایج یک تحقیق جدید نشان داد که در میان زوج‌هایی که هر دو حقوق می‌گیرند، میزان بی عدالتی‌هایی که در تقسیم کار خانه داری احساس می‌کنند و میزان نارضایتی ازدواجی، هم برای زن و هم برای شوهر بیشتر است و در مورد زنان خطر طلاق بیشتر است. محققان معتقدند تصور در مورد تقسیم کار ناعادلانه نه تنها کیفیت ازدواجی زنان را کاهش می‌دهد، بلکه فشار ناشی از نقش خانه داری موجب می‌شود به ازدواج ناخوشایند پایان دهند (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳). (کلارک استوارت؛ برنتان، ۸۵: ۱۳۹۲).

- مخاطرات ارتباطی و طلاق: بیش از نیمی از طلاق‌ها دلیل عمده فروپاشی ازدواج، تعارض میان زن و شوهر است (وادزی و اسودین، ۱۹۹۲). همه زن و شوهرها در مورد موضوعاتی مثل: مقدار زمانی که به تنهایی با دوستان سپری می‌کنند، مقدار پولی که خرج می‌کنند یا اینکه چه کسی بچه را از مهد کودک بیاورد، تعارض‌هایی دارند؛ اما برخی از همسران نسبت به بعضی دیگر، مشکلات شان را بهتر حل می‌کنند. جان گاتمن فرآیندهایی را که موجب اختلال یا تقویت روابط می‌شود، مورد مطالعه قرار داد. آنچه به طور کلی در بررسی او مشاهده شد این بود که شیوه ی حل تعارض زوج‌های پریشان با زوج‌های غیر پریشان متفاوت است. او زوج‌ها را به تیپ‌های «منظم» و «نامنظم» تقسیم کرد. زوج‌های منظم تعارض‌های خود را به گونه‌ای مدیریت می‌کردند که حل مسئله را آسان کرده و به روابط شان آسیب نمی زد (گاتمن، ۱۹۹۴؛ گاتمن و کارر، ۱۹۹۴؛ کارر و گاتمن، ۱۹۹۹). در حالیکه ارتباط زوج‌های نامنظم، سازنده نبود و باعث حل مسئله نمی شد، به جای آن تنش‌ها را تشدید کرده و پریشانی زوجین را افزایش می‌داد. گاتمن پی برد که «چگونگی بحث کردن

مردان است. مردان شاغل بیشتر از مردان بیکار احتمال دارد که ازدواج کرده و ازدواج را ادامه دهند و هر چه درآمدشان بالاتر باشد احتمال ازدواج شان بیشتر است (وایت و راجرز، ۲۰۰۰). درآمد نیز مهم است. وقتی مردان تحت فشار اقتصادی قرار دارند خشن ترند و نسبت به زنان شان گرم و حمایت گر نیستند؛ وقتی درآمد کم باشد زوجین ناراضی اند و احتمال طلاق زیاد است (براملت و موشر، ۲۰۰۲؛ وایت و راجرز، ۲۰۰۰).

- نژاد، قومیت و طلاق: الگوهای ازدواج و طلاق بر اساس نژاد و قومیت نیز فرق دارد. احتمال ازدواج و ازدواج مجدد در مردان و زنان آمریکایی آفریقایی تبار در مقایسه با سایر گروه‌های قومی کمتر است (چرلین، ۱۹۹۸). ازدواج‌های بین نژادی بیشتر از ازدواج‌های هم نژادی احتمال فسخ شدن دارند (براملت و موشر، ۲۰۰۲). ازدواج‌های بین نژادی ۱۰ درصد بیشتر از ازدواج‌های هم نژادی احتمال ناکامی در ۱۰ سال اول را دارند (۴۱ درصد در مقابل ۳۱ درصد) (کلارک استوارت؛ برنتان، ۷۶: ۱۳۹۲).

- مذهب و طلاق: به طور سنتی، مذهبی بودن به عنوان یک مانع طلاق در نظر گرفته شده است (کال و هتسون، ۱۹۹۷). همه مذاهب پیروان خود را در مورد ازدواج و طلاق راهنمایی می‌کنند، به هر حال مذاهب در میزان سختگیری‌هایی که در آیین‌ها دارند به طور قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر متفاوتند (گلن و سوپانسیک، ۱۹۸۴). هیچ مذهبی طلاق را ترغیب نمی کند. یک مرور جدید روی ۹۴ تحقیق متمرکز بر رابطه میان مذهب و ازدواج نشان داد که مذهبی بودن کارکرد ازدواجی را تسهیل کرده و خطر طلاق را کاهش می‌دهد، گرچه این تاثیرات خیلی کم هستند (ماهوتی و همکاران، ۲۰۰۱). کسانی که یک تعلق مذهبی دارند کمتر درگیر رابطه جنسی قبل ازدواج می‌شوند (تریز و گیسن، ۲۰۰۰)، احتمال ازدواج کردن آنها با نامزدشان زیاد است و ازدواج را به عنوان یک تعهد مادام العمر تلقی می‌کنند (براملت و موشر، ۲۰۰۲). نتایج یک تحقیق جدید که از داده‌های به دست آمده از ۴۵۸۷ زوجی که در تحقیق ملی خانواده و خانه داری شرکت کرده بودند حاصل شد، نشان داد که فراوانی حضور در مراسم مذهبی بیشتر تاثیر مثبت را روی پایداری ازدواج دارد. ده عامل خطر ساز عمده برای طلاق (در ۱۰ سال اول ازدواج): سن کم؛ درآمد کم، نژاد، تجاوز، مذهب، فرزندان، والدین مطلقه داشتن، تحصیل، وضعیت شغلی، ضعف ارتباطی، تعارض ها. (کلارک استوارت؛ برنتان، ۷۹: ۱۳۹۲). از جمله مسائلی که

سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژیی کسان نیست، نسل‌های هم دوره با این تحولات سریع اجتماعی نمی‌توانند معیارهای همه پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند، در این احوال کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی آذر، ۲۸۱: ۱۳۷۵). به نقل از (کلانتری و روشنفکر، ۶۱: ۱۳۹۳). به بیان دیگر در هنگام بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سوداگری، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوارند. انسان‌ها فقط به تمتع و مصالح خود می‌اندیشند و همه چیز در چارچوب امور مادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه می‌شود، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تاثیر می‌پذیرند. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی و فقط در راه لذت جویی‌آنی است. این نوع روابط بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده اند و به محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا در اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق رتبه روز افزایش خواهد یافت (ساروخانی، ۷: ۱۳۷۶). به نظر بروسکوئن افزایش میزان طلاق در جوامع نوین یک واقعیت است. این وضعیت از جامعه و ارزش‌های تغییر ما سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی. امروز از انواع کارکردها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی آن هم در یک محیط زناشویی ننگ نیست (کوئن، ۱۳۳: ۱۳۷۰). (کلانتری و روشنفکر، ۶۲: ۱۳۹۳).

زوجین» بیش از چیزی که آنها در موردش بحث می‌کنند با پایداری ازدواج رابطه‌ی نزدیک دارد. تعارض و ابراز خشم لزوماً مخرب نیستند بلکه در کل می‌توانند باعث تقویت ازدواج شوند. به هر حال تحقیق، عیب‌یابی، دعوا و حالت تدافعی مضر هستند (کارز و گاتمن، ۱۹۹۹). (کلارک استوارت؛ برنتان، ۸۷: ۱۳۹۲). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که پس از طرح جایگاه خانواده به عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی، پدیدآیی فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، ظهور اینترنت و گسترش فراگیر شبکه‌های اجتماعی و طرح آنها در قالب فرصت‌ها و تهدیدها به آسیب‌های نو پدید ناشی از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت پرداخته شده است (ابراهیم پور و خزایی، ۱۳۹۴).

در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پای بندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل هاست. در این مرحله حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی ارزش دیروز در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر قدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی نیروهای حاکم بر جامعه جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌شود، بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده کرد، ولی از آنجا که

جدول ۱: نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل مفهومی پژوهش

نویسندگان	نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی فرهنگی	موضوعات
	نظام‌های اجتماعی ۱۹۷۰	کارکردگرایی ساختاری- ساختارنظام کنشی- نظریه کنشی (فردی) رفتارگرایی - نظریه کنش اجتماعی- نظریه تکاملی- پیش نیازهای اساسی نظام کنشی -
	نظریه عمومی کنش ۱۹۶۲	تطبیق (انطباق و سازگاری با محیط)، دستیابی به هدف (هدف جویی)، یکپارچگی (وحدت و هماهنگی)، سکون و نگهداشت (حفظ و موجودیت الگو).
	ساختارکنش اجتماعی ۱۹۳۷	- مدل AGLI - نظام رفتاری- نظام شخصیتی- نظام اجتماعی- نظام فرهنگی
	نظام جوامع مدرن ۱۹۷۱	نظام ارگانیک رفتاری (A) نظام شخصیتی (G) نظام اجتماعی (I) نظام فرهنگی (L)
	نظریه سیستمی	موضوعات:
تالکوت پارسونز (۱۹۴۹)	نظریه کارکردگرایی ساختی از یک سو کارکردها و نتایج پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. پارسونز با بهره‌گیری هم زمان از رهیافت‌های فردگرا و کل‌گرا به سازماندهی کنش‌های فرد در نظام‌های کنش می‌پردازد. هنجارها قواعدی اجتماعاً پذیرفته شده‌اند که مردم آنها را بکار می‌گیرند تا درباره کنش‌های خود تصمیم‌گیری کنند الگوی	نظریه کنش اجتماعی: روابط متقابل افراد در ۱- انتظارات متقابل میان عامل‌ها ۲- ارزش‌ها و هنجارهای حاکم ۳- ضمانت اجرایی (خود و دیگران) ۴- محیط زمینه‌ای کنش‌های متقابل - پیش نیازهای نظام کنشی
		نظام اقتصاد (A) نظام سیاست (G) نظام اعتقادی (L) نظام عرف اجتماعی (I)
		نظریه سیستمی؛ ساختار جامعه، نقش فرهنگ در حفظ این ساختار و روابط درونی الگوها در بین و مولفه‌های گوناگون نظام اجتماعی، در کانون توجه قرار دارد.

نویسندگان	نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی فرهنگی	موضوعات
	کارکردی در سطح خرد (نظام شخصیتی و فردی و سازگاری با محیط) و در سطح کلان (نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و جامعه، نظام فرهنگی کنش اجتماعی: زمینه فرهنگی (ایدئولوژی، معرفت و ارزش)-زمینه اجتماعی (روابط متقابل)-زمینه روانی (شخصیت و فردیت)-زمینه زیستی (ارگانیسم و خواسته‌ها و نیازها)	سایبرنتیک بدین معناست که هر نظامی به وسیله خرده نظامی کنترل می‌شود که از نظر اطلاعات در بالاترین سطح و از نظر انرژی در پایین ترین سطح است. نظریه تعادل و تغییر: ۱- اهمیت نقش و کارکرد پدیده‌ها ۲- ارتباط نقش‌ها یا نهادها ۳- اهمیت فرهنگ عمومی ۴- نهادی شدن سطوح متفاوت واقعیت نخستین عنصر سازنده اش در این کار فرایند تمایز بود. تکامل باید از نظام انتسابی به سوی یک نظام دستاوردی حرکت کند. مراحل: ۱- ابتدایی ۲- میانی ۳- نوین جامعه‌شناسی فرهنگی پارسونز، جهان اجتماعی کاملا منظم، بسته و کاملی را در نظر می‌گیرد که در آن طیف متنوعی از گروه‌های اجتماعی با موفقیت هم‌نوا می‌شوند و گروه‌هایی که فرهنگ هنجاری عام را درونی نساخته باشند، از فرایند وحدت فرهنگی بیرون رانده می‌شوند. ریتزر به نقل از ثلاثی (۱۳۸۲)، گولدنر به نقل از ممتاز (۱۳۷۴)، هملینون به نقل از بزرگر (۱۳۷۹)، روشه به نقل از نیک گهر (۱۳۷۶).
هربرت بلومر ۱۹۸۷	دیدگاه کنش متقابل نمادی	الف) کنش بر مبنای اشیا و اعیان ج) کنش تفسیری در برابر کنش متقابل اجتماعی ب) کنش متقابل اجتماعی به عنوان منبع معانی بلومر مدعی است که سه اصل فوق عامل توسعه یک طرح تحلیلی جامعه انسانی و هدایت انسانی می‌باشد. بلومر این طرح تحلیلی را تصورات ریشه‌ای و بنیادی نامیده است که به چندین موضوع عمده برمی‌گردد: ۱. گروه‌های انسانی یا جوامع؛ ۲. کنش متقابل اجتماعی؛ ۳. موضوعات و واقعیت‌ها؛ ۴. انسان کنشگر، کنش انسانی و ارتباط بین کنشگران بلومر کنش متقابل را به دو صورت بازگو کرده است: ۱- کنش متقابل غیرنمادین از قبیل پاسخ یک مشت‌زن در مقابل ضربانی که خورده، بدون تفسیر عمل طرف مقابل؛ ۲- کنش متقابل نمادین که به معنای کنش متقابل توأم با تفسیر عمل دیگری است. کاربردهای کنش متقابل نمادین در حوزه ارتباطات-کنش متقابل در گردشگری اتصال جامعه‌شناسی خرد و کلان در کنش متقابل (تقی آزادرمکی، ۲۷۳: ۱۳۸۱). (ریتزر به نقل از تنهایی، ۲۲: ۱۳۸۸) (ریتزر به نقل از تنهایی، ۴۴۸: ۱۳۹۳). (تقی آزادرمکی، ۲۷۳: ۱۳۸۱).
گی روشه	تلفیقی (شیوه‌های تفکر، احساس و عمل)	مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل که کم و بیش مشخص است، از جانب تعداد زیادی از افراد فرا گرفته شده و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به جمعی خاص و متمایز مبدل سازد. صالحی امیری (۱۳۹۲)
جان تامپسون	نمادگرایی ساختاری (اشکال نمادین)	مجموعه و ساختار نمادهای خلق شده در یک شرایط اجتماعی-تاریخی صالحی امیری (۱۳۹۲)
آنتونی گیدنز	تلفیقی (ارزشها، هنجارها و تولیدات مادی)	فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای گروهی معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی‌ای تولید می‌کنند. صالحی امیری (۱۳۹۲)
ونز	کارکردگرایی ساختاری (اندیشه‌ها و ارزش)	نظام‌های الگو شده یا سامان یافته‌ای از نمادها که ذیل جهت‌گیری‌های کنش و اجزاء درونی شده شخصیت افراد و الگوهای نهادی شده نظام اجتماعی درآید. صالحی امیری (۱۳۹۲)
صالحی امیری ۱۳۹۲	رویکردهای آسیب شناسی ارزش‌های فرهنگی	رویکرد ساختاری- رویکرد توسعه فرهنگی- رویکرد اجتماعی

جدول ۲: پیشینه پژوهش در ایران و خارج از ایران

پدیدآور/ سال	عنوان	یافته‌ها
مستر حمی و محمدپورمیر (۱۳۹۵)	نقش حجاب در پیشگیری از طلاق با تأکید بر نقش رسانه	قابل نقاط جهان اقصی در امروز که رسانه طریق از آن نشر نیز و حجابی بی و بدحجابی اثرآفرینی بدحجابی است. انتشار انکار قابل غیر خانواده‌ها امری فروپاشی و طلاق سازی زمینه است. در دسترسی از گذر است. با شده جنسی و رفتاری فحش‌های و حجابی بی به مبدل بعدا که رسانه‌ها بوده این گام اولین تنوع به میل و شده افراد، آسان خصوصی حریم به یابی آن، راه به رعایت میلی بی و پوشش ی مرحله شد. خواهد زندگی شریک به نسبت میلی بی به لاجرم منجر که رشد می‌کند زندگی در جنسی طلبی
پناغی و همکاران (۱۳۹۵)	جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی	سلامت خانواده در چهار طبقه جدای دارد: سلامت فردی، سلامت نهادی، سلامت تعاملی و سلامت جامعه ای
مدیری و همکاران (۱۳۹۴)	ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران	در شهر تهران عناصری از ارزش‌های پست مدرن خانوادگی به چشم می‌خورد که از نسل اول به سوم سیر صعودی داشته و متأثر از مصرف رسانه، احساس ناامنی اقتصادی، تجرد، نسل و درآمد است
عبدالملکی و همکاران	رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با	مصرف رسانه‌های جهانی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند که دیدگاه مخاطبان را در خصوص گرایش به روابط فرا زناشویی شکل دهد اما مخاطبان در مواجهه با این پیام‌ها، متناسب با ویژگی‌های روانی و

عنوان	سال	یافته ها
گرایش به روابط فرا زناشویی در بین زوجین شهر قروه	(۱۳۹۴)	اجتماعی خود واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهند و به این ترتیب، تأثیرات متفاوتی را دریافت می‌کنند. از میان عوامل موثر بر گرایش به روابط فرا زناشویی، مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن، رضایت زناشویی جنسیت، نحوه ازدواج رابطه معناداری با گرایش به روابط فرا زناشویی داشته اند
مقایسه نگرش به روابط فرا زناشویی و جهت گیری مذهبی کاربران و غیر کاربران شبکه اجتماعی فیس بوک	سیدعلی تبار و همکاران (۱۳۹۴)	جهت گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی بطور معناداری در کاربران فیس بوک بالاتر از غیر کاربران فیس بوک است. اما در مولفه نگرش به روابط فرا زناشویی تفاوت معناداری مشاهده نشد. نتایج تحقیق موید آن است که استفاده از فیس بوک به تنهایی تأثیری در نگرش روابط فرا زناشویی ندارد اما می‌تواند موجب تفاوت در جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی کاربران فیس بوک شود.
خوانش و رمزگشایی مخاطبان زن از فیلم‌های عامه پسند شبکه‌های ماهواره	رحمانی و سهرابی (۱۳۹۴)	که بطور کلی زنان با هم ذات پنداری با بازیگران سریال‌های ماهواره ای، بازنمایی هویت زنانه، گریز از واقعیت. بازنمایی گذشته، از فیلم‌ها رمزگشایی و خوانش آن‌ها اقدام می‌کنند
آسیب‌های نو پدیده؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی	ابراهیم پور و خزایی (۱۳۹۴)	ضمن برجسته ساختن اهمیت نهاد خانواده و مورد تهدید قرار گرفتن آن از سوی شبکه‌های اجتماعی، پیشنهاداتی به منظور آشنایی هر چه بیشتر خانواده‌ها با تهدیدات فضای مجازی و استفاده ی صحیح از فضای مجازی ارائه شده است
بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهر کرد	گنجی و همکاران (۱۳۹۴)	خانواده، چارچوب از جنسی خارج و دوستی ارتباط به تمایل و ارتباطی فناوری‌های نوین به اعتیاد بین که در بیهویتی و اجتماعی بیگانگی دینداری، افزایش احساس کاهش و ارزشها غرب، تضعیف به گرایش ارتباط به تمایل نیز و فناوری‌های نوین ارتباطی از استفاده دارد. تأثیر وجود مستقیم جامعه، رابطه متغیر، دو این و است معنادار گسیختگی خانوادگی هم از بر خانواده چارچوب از خارج جنسی و دوستی همگسیختگی خانوادگی را تبیین می‌کنند. از مسئله تغییرهای از درصد ۲۶ حدود
رفتارهای مربوط به خیانت در سایت‌های رسانه‌های اجتماعی (شبکه اجتماعی) و رضایت زناشویی	مک دانیل و همکاران (۲۰۱۷)	تعامل بیشتر در رسانه‌های اجتماعی (شبکه اجتماعی فضای مجازی آنلاین) در رفتارهای مربوط به خیانت در این شبکه‌ها تأثیر قابل توجهی در کاهش رابطه زناشویی و رضایت بین زوجین می‌گردد و ارتباط دو سوگرایی و دل‌بستگی اجتنابی و اضطراب دل‌بستگی در زنان و مردان می‌شود
عاشقان حتی نیاز به تعطیلات (گردشگری): بازتاب مسافرت (تعطیلات) زنان بدون همسرانشان	دورکو و استون (۲۰۱۷)	چند دلیل عمومی در سفر زنان بدون همسرانشان وجود دارد: محدودیت شخصی و فردی در پیوند زن و شریک زندگی، فرار از زندگی روزمره، نیاز به فردیت و فردگرایی. پاسخ اکثریت قریب به اتفاق معتقد بودند که سفرهای جداگانه از همسرانشان و شریک زندگی خود را جزئی از رابطه عاشقانه و سالم می‌دانند و تقریباً همه با رفتن به تعطیلات بدون همسر و شریک زندگی خود رضایت داشتند و رضایت کمتری در رفتن به تعطیلات و مسافرت با همسر و شریک زندگی بدست آمد
توالی مسیر زندگی خانوادگی؛ روابط مسیر زندگی، بهبود و توسعه و مداخله	گانوگ و کولمن (۲۰۱۷)	برداشتن گام‌ها در زمینه مسیر زندگی خانواده امری مهم تلقی می‌گردد زیرا زمینه تکرار روابط زن با مرد جهت توسعه و بهبود زندگی را برای آنان فراهم می‌کند. این مطالعه هدفمند به بررسی مشترک توالی مسیر زندگی خانواده پس از طلاق و ناراحتی‌های پس از جدایی از شریک زندگی و مداخله در علل عدم ازدواج شریک زندگی به عنوان پیامدهای این گونه مسیر زندگی‌ها برای روابط جدید خانواده با توافق و همکاری پدر و مادر و بچه می‌باشد.
بررسی ارزیابی متغیرهای رورشاخ روابط بین فردی افراد ازدواج کرده و طلاق گرفته	چن (۲۰۱۷)	افراد مطلقه از رفتار پرخاشگرانه و خصمانه‌ای به نسبت افراد غیر مطلقه برخوردارند و تأثیر منفی در افسردگی این افراد مشاهده شد. فردی که جدا نشده است در عملکرد روابط صمیمی خود متعهد است.
عوامل ژنتیکی و محیطی در چارچوب روابط عاشقانه و رومانسیک	ویسمن و سوت (۲۰۱۷)	تأثیرات ژنتیکی و محیطی با توجه به تفاوت‌های فردی در روابط مهم می‌باشند. برای درک علت رابطه ژنتیک و محیط ابتدا به بررسی روش‌های مولکولی ژنتیک با بررسی مطالعات تجربی و آزمایشگاهی عوامل ژنتیکی و عوامل محیطی در محیط زیست و رابطه کیفیت و عملکرد روابط عاشقانه و صمیمی و انحلال این رابطه با (سلامت جسمی و روانی و رفاه در زندگی شرکا) مورد بررسی قرار گرفت.
اجتماعی و فضای شبکه مجازی	عبدال سلیم و همکاران (۲۰۱۲)	عبارت به یا اخیراً سال یک سیاسی تحولات در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که است ویژگی‌های نقش کرده اند اخیراً ایران، ایفا چند سال دقیقتر

اهداف و سئوالات:

• تعیین اولویت بندی عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران.

• ترسیم وضعیت مطلوب با ارائه الگوی مدیریتی، آسیب شناسی فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران.

• تعیین درجه تناسب الگوی مدیریتی آسیب شناسی فرهنگی زمینه ساز موثر گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق از دیدگاه زنان منطقه یک شهرداری تهران و ارائه الگوی مدیریتی جهت کاهش آن می‌باشد.

اهداف جزئی:

• شناسایی و کشف عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران.
• بررسی وضعیت موجود عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران.

سئوالات پژوهشی

می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه زنان منطقه یک تهران و نمونه آماری با توجه به جامعه نامحدود با فرمول کوکران، شامل ۴۹۲ نفر انجام پذیرفت. در ابتدا از طریق مصاحبه نیمه ساختمند از صاحب‌نظران و خبرگان جهت اخذ اعتبار روایی محتوایی، عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق با روش دلفی استخراج و در نهایت با تهیه دو پرسشنامه الف- محقق ساخته، ب- تناسب الگو، و آزمون کرونباخ جهت اخذ اعتبار صوری بصورت آزمایشی از نمونه آماری اقدام گردید. نتایج آزمون پایایی عوامل در؛ (فناوری اطلاعات و ارتباطات) ۰/۹۳، رسانه ۰/۸۶، آموزش و تحصیلات ۰/۷۲، گردشگری ۰/۹۵، مهاجرت ۰/۸۴، تجملات ۰/۹۲، تضاد فرهنگی ۰/۸۹، تهاجم فرهنگی ۰/۷۴، سبک زندگی ۰/۹۰، اعتقادات مذهبی ۰/۷۷، نابرابری ۰/۹۷ و در کل ۰/۹۷، با نمره قابل قبول در پایایی پژوهش را بدست آمد. تجزیه و تحلیل آماری پژوهش از آزمون ناپارامتریک دو جمله ای، آزمون فریدمن و برای تعیین تناسب الگو از آزمون t تک گروهی و تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری ترکیبی استفاده گردید.

- عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران کدامند؟
- وضعیت موجود عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری چگونه است؟
- اولویت بندی هریک از عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران چگونه است؟
- برای ترسیم وضعیت مطلوب آسیب شناسی عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران چه الگوی مدیریتی می‌توان ارائه نمود؟
- درجه تناسب الگوی مدیریتی آسیب شناسی عوامل فرهنگی زمینه ساز موثر طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران به چه میزان است؟

روش شناسی پژوهش:

پژوهش از نظر داده و اطلاعات از نوع کمی و کیفی و از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی پیمایشی

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل توصیفی:

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق (n=۴۹۲)

عوامل	مولفه‌ها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیگی
فناوری اطلاعات و اینترنت و فضای مجازی ارتباطات	تجهیزات مدرن	۳،۵۵	۴،۶۴	۴،۲۰	۰،۴۰	-۰،۲۶۰	-۱،۸۳۰
	فناوری اطلاعات و ارتباطات (کل)	۳،۰۰	۴،۷۵	۳،۹۳	۰،۴۱	۰،۰۷۲	۰،۳۷۵
رسانه	ماهواره	۳،۳۶	۴،۶۹	۴،۰۶	۰،۳۶	-۰،۰۳۳	-۰،۰۶۹۹
	فیلم و سینما	۳،۰۰	۴،۷۵	۳،۸۲	۰،۴۶	-۰،۰۷۴۶	-۰،۰۹۸۷
رسانه (کل)	آموزش و تحصیلات دانشگاهی	۲،۰۰	۴،۵۰	۳،۳۵	۰،۸۲	-۰،۸۰۱	-۰،۹۲۸
	آموزش و تحصیلات (کل)	۲،۶۷	۴،۵۰	۳،۶۶	۰،۵۱	-۰،۰۶۴۱	-۰،۰۷۴۸
تحصیلات	آموزش مهارت‌های زندگی	۳،۲۵	۴،۲۵	۳،۸۸	۰،۳۴	-۰،۰۲۵۶	-۱،۳۵۵
	آموزش و تحصیلات (کل)	۴،۰۰	۵،۰۰	۴،۳۴	۰،۳۰	-۰،۰۱۳	-۱،۵۱۲
گردشگری	تضاد عقاید	۳،۵۷	۴،۵۷	۴،۰۱	۰،۳۱	-۰،۰۷۵	-۱،۳۹۱
	تضاد فرهنگی	۳،۰۰	۵،۰۰	۴،۱۳	۰،۷۲	-۰،۰۴۶۹	-۱،۰۱۵۰
تجملات	تضاد سلاقی	۲،۲۰	۴،۴۰	۳،۸۳	۰،۳۰	-۰،۰۷۴۷	۰،۰۳۲
	تضاد فرهنگی (کل)	۲،۷۵	۵،۰۰	۳،۸۹	۰،۶۹	-۰،۱۰۲	-۰،۰۵۷۰
تضاد فرهنگی (کل)	تضاد عقاید	۳،۵۰	۵،۰۰	۴،۴۱	۰،۴۲	-۰،۰۷۵۹	۰،۰۲۲۰
	تضاد سلاقی	۳،۷۵	۵،۰۰	۴،۲۰	۰،۴۱	۱،۰۰۵	-۰،۰۲۷۲
تهاجم فرهنگی (کل)	سبک نوگرایی و مدرن	۳،۶۳	۵،۰۰	۴،۲۰	۰،۳۷	۰،۴۰۵	۰،۴۳۰
	سبک نوگرایی و مدرن	۳،۲۲	۴،۱۱	۳،۷۶	۰،۲۸	-۰،۰۳۴۱	-۱،۰۷۰
سبک زندگی	کاهش قبح طلاق	۲،۷۵	۴،۵۰	۳،۷۲	۰،۶۷	-۰،۱۶۷	-۱،۶۲۴
	کاهش حاکمیت بر نوامیس	۳،۵۰	۵،۰۰	۴،۱۲	۰،۵۸	۰،۲۱۱	-۱،۰۴۶۲
سبک زندگی (کل)	پدیده‌های ازدواج سپید	۴،۰۰	۵،۰۰	۴،۶۴	۰،۴۱	-۰،۰۵۴۸	-۱،۰۳۶۰
	سبک زندگی (کل)	۳،۶۹	۴،۷۷	۴،۲۷	۰،۳۸	-۰،۰۴۱۴	-۱،۰۲۷۹
اعتقادات مذهبی	برابری و عدالت	۳،۳۳	۴،۸۳	۴،۲۸	۰،۴۶	-۱،۰۱۰۸	۰،۴۴۳
	برابری و عدالت	۳،۵۰	۵،۰۰	۴،۷۱	۰،۵۴	-۱،۰۴۰۱	۰،۰۲۳۳

تجزیه و تحلیل استنباطی:

جدول ۴: نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	مولفه‌ها	آماره z	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فناوری اطلاعات و ارتباطات		۲,۸۷۱	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
رسانه		۴,۵۰۹	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
آموزش و تحصیلات		۴,۰۲۵	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
گردشگری		۵,۲۳۵	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
مهاجرت		۴,۶۸۹	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
تجملات		۶,۶۳۹	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
تضاد فرهنگی		۷,۸۷۶	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
تهاجم فرهنگی		۵,۶۳۵	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
سبک زندگی		۴,۴۲۲	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
اعتقادات مذهبی		۴,۳۵۸	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست
برابری و عدالت		۱۰,۳۱۲	۰,۰۰۰	$p < ۰,۰۵$ و نرمال نیست

سؤال اول و دوم: شناسایی و بررسی وضعیت موجود عوامل فرهنگی موثر گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران کدامند؟

جدول ۵: نتایج آزمون دو جمله‌ای برای بررسی عوامل فرهنگی موثر گسترش طلاق

عوامل	مولفه‌ها	گروه	تعداد	نسبت مشاهده شده نسبت آزمون	سطح معناداری (sig)
فناوری اطلاعات و ارتباطات	اینترنت و فضای مجازی	گروه اول ≤ 3	۰	۰,۵۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
ارتباطات	تجهیزات مدرن	گروه اول ≤ 3	۲۴	۰,۵۰	۰,۰۵۲
		گروه دوم > 3	۴۶۸	۰,۹۵	
فناوری اطلاعات و ارتباطات (کل)		گروه اول ≤ 3	۰	۰,۵۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
رسانه	ماهواره	گروه اول ≤ 3	۶۱	۰,۱۲	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۳۱	۰,۸۸	
	فیلم و سینما	گروه اول ≤ 3	۱۴۴	۰,۲۹	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۳۴۸	۰,۷۱	
رسانه (کل)		گروه اول ≤ 3	۶۰	۰,۱۲	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۳۲	۰,۸۸	
آموزش و تحصیلات	تحصیلات دانشگاهی	گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
	آموزش مهارت‌های زندگی	گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
آموزش و تحصیلات (کل)		گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
گردشگری		گروه اول ≤ 3	۱۱۰	۰,۲۲	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۳۸۲	۰,۷۸	
مهاجرت		گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
تجملات		گروه اول ≤ 3	۱۲۰	۰,۲۴	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۳۷۲	۰,۷۶	
تضاد فرهنگی	تضاد عقاید	گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
	تضاد سلايق	گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
تضاد فرهنگی (کل)		گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰
		گروه دوم > 3	۴۹۲	۱,۰۰	
تهاجم فرهنگی (کل)		گروه اول ≤ 3	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۱

عوامل	مولفه‌ها	گروه	تعداد	نسبت مشاهده شده نسبت آزمون	سطح معناداری (sig)
سبک زندگی	سبک نوگرایی و مدرن	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰	
		گروه اول	۱۸۲	۰.۳۷	۰.۰۰۰
		گروه دوم	۳۱۰	۰.۶۳	
		گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰
		گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰	
		گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰
	کاهش قبح طلاق	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰	
		گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰
		گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰	
		گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰
		گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰	
		گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰
کاهش حاکمیت بر نوامیس	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
پدیده‌های ازدواج سپید	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
سبک زندگی (کل)	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
اعتقادات مذهبی	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
برابری و عدالت	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	
	گروه دوم	۴۹۲	۱.۰۰		
	گروه اول	۰	۰.۰۰	۰.۰۰۰	

سؤال سوم: اولویت‌بندی سهم هر یک از عوامل فرهنگی طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران چگونه است؟

جدول ۶: نتایج آزمون فریدمن برای اولویت بندی عوامل فرهنگی طلاق

تعداد	مقدار آماره χ^2	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۴۹۲	۲۲۳۹.۳۰۵	۱۰	۰.۰۰۰

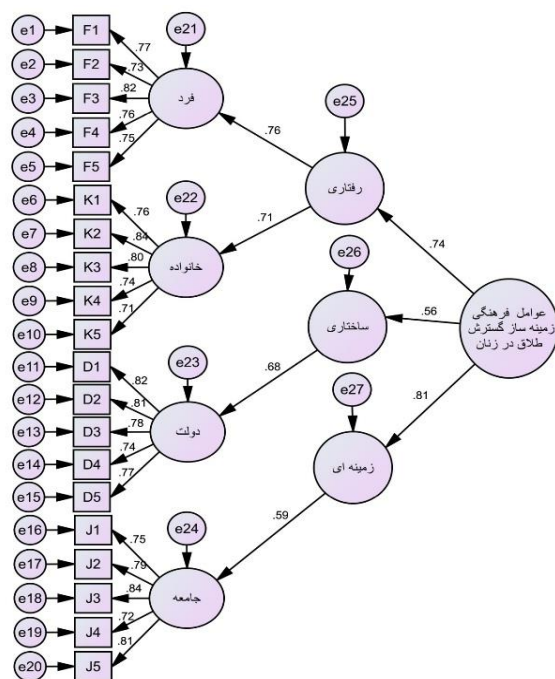
جدول اولویت بندی عوامل فرهنگی طلاق

عوامل	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ها	رتبه
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴.۰۶	۰.۳۶	۵.۲۱	رتبه ششم
رسانه	۳.۶۶	۰.۵۱	۳.۳۸	رتبه یازدهم
آموزش و تحصیلات	۴.۰۱	۰.۳۱	۴.۹۶	رتبه هفتم
گردشگری	۴.۱۳	۰.۷۲	۶.۳۳	رتبه پنجم
مهاجرت	۳.۸۳	۰.۳۰	۳.۹۳	رتبه نهم
تجملات	۳.۸۹	۰.۶۹	۴.۶۴	رتبه هشتم
تضاد فرهنگی	۴.۳۰	۰.۳۷	۸.۳۸	رتبه سوم
تهاجم فرهنگی	۳.۷۶	۰.۲۸	۳.۷۴	رتبه دهم
سبک زندگی	۴.۲۷	۰.۳۸	۶.۸۸	رتبه چهارم
اعتقادات مذهبی	۴.۳۸	۰.۴۶	۸.۶۵	رتبه دوم
برابری و عدالت	۴.۷۱	۰.۵۴	۹.۹۰	رتبه اول

سؤال چهارم: برای ترسیم وضعیت مطلوب آسیب شناسی عوامل فرهنگی گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران چه الگوی مدیریتی می‌توان ارائه نمود؟

جدول ۷: نتایج آزمون KMO

نام شاخص	KMO	نتیجه
فرد	۰/۸۱۰	کفایت نمونه تایید می‌شود
خانواده	۰/۸۲۵	کفایت نمونه تایید می‌شود
دولت	۰/۸۳۱	کفایت نمونه تایید می‌شود
جامعه	۰/۸۵۹	کفایت نمونه تایید می‌شود



شکل ۱: مدل ساختاری تایید شده پژوهش

جدول ۸: ضرایب رگرسیونی و سطح معناداری آنها

رابطه	ضریب استاندارد	نسبت بحرانی CR	سطح معناداری	نتیجه
عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در زنان ← عامل رفتاری	۰,۷۴	۸,۶۲	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در زنان ← عامل ساختاری	۰,۵۶	۶,۸۶	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در زنان ← عامل زمینه ای	۰,۸۱	۹,۳۸	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عامل رفتاری ← فرد	۰,۷۶	۸,۸۹	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عامل رفتاری ← خانواده	۰,۷۱	۸,۳۱	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عامل ساختاری ← دولت	۰,۶۸	۸,۰۷	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است
عامل زمینه ای ← جامعه	۰,۵۹	۷,۱۹	< ۰/۰۰۱	تأثیرگذاری در سطح ۹۹ درصد معنادار است

سؤال پنجم: درجه تناسب الگوی مدیریتی آسیب شناسی عوامل فرهنگی طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران به چه میزان است؟

جدول ۱۰: نتایج آزمون t تک گروهی برای بررسی تناسب مدل ارائه شده از دیدگاه متخصصان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
فلسفه و اهداف	۴,۷۵	۰,۱۴	۱,۷۵	۷۰,۰۲۲	۲۹	۰,۰۰۰
مبانی نظری	۴,۷۱	۰,۱۲	۱,۷۱	۸۱,۵۲۷	۲۹	۰,۰۰۰
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴,۹۳	۰,۲۵	۱,۹۳	۴۱,۷۳۸	۲۹	۰,۰۰۰
رسانه	۴,۳۷	۰,۴۹	۱,۳۷	۱۵,۲۷۲	۲۹	۰,۰۰۰
آموزش و تحصیلات	۴,۲۷	۰,۷۴	۱,۲۷	۹,۳۷۹	۲۹	۰,۰۰۰
گردشگری	۴,۷۷	۰,۴۳	۱,۷۷	۲۲,۴۹۴	۲۹	۰,۰۰۰
مهاجرت	۴,۷۷	۰,۴۳	۱,۷۷	۲۲,۴۹۴	۲۹	۰,۰۰۰
تجملات	۴,۸۷	۰,۳۵	۱,۸۷	۲۹,۵۷۱	۲۹	۰,۰۰۰
تضاد فرهنگی	۴,۲۳	۰,۴۳	۱,۲۳	۱۵,۷۰۳	۲۹	۰,۰۰۰
تهاجم فرهنگی	۴,۴۷	۰,۵۱	۱,۴۷	۱۵,۸۳۲	۲۹	۰,۰۰۰
سبک زندگی	۴,۶۷	۰,۴۸	۱,۶۷	۱۹,۰۳۹	۲۹	۰,۰۰۰

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
اعتقادات مذهبی	۴٫۶۳	۰٫۴۹	۱٫۶۳	۱۸٫۲۵۲	۲۹	۰٫۰۰۰
برابری و عدالت	۴٫۲۳	۰٫۷۳	۱٫۲۳	۹٫۲۸۰	۲۹	۰٫۰۰۰
عوامل موثر (کل)	۴٫۵۶	۰٫۱۷	۱٫۵۶	۵۱٫۰۴۰	۲۹	۰٫۰۰۰
روشهای کاهش طلاق	۴٫۸۵	۰٫۱۸	۱٫۸۵	۵۵٫۷۴۷	۲۹	۰٫۰۰۰
فرایند اجرایی	۴٫۷۶	۰٫۲۴	۱٫۷۶	۳۹٫۹۴۹	۲۹	۰٫۰۰۰
تسهیل کننده ها	۴٫۷۷	۰٫۲۳	۱٫۷۷	۴۲٫۶۶۶	۲۹	۰٫۰۰۰
بازخورد از مدل	۴٫۶۴	۰٫۲۴	۱٫۶۴	۳۷٫۵۴۲	۲۹	۰٫۰۰۰
برونداد مدل	۴٫۲۳	۰٫۷۷	۱٫۲۳	۸٫۷۲۹	۲۹	۰٫۰۰۰

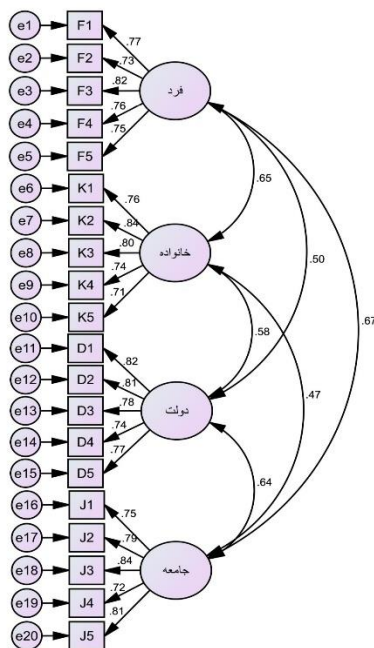
میانگین موردانتظار = ۳

جدول ۱۱: شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول
X2/df))	مجذور کای به درجه آزادی	≤ 3
AGFI	شاخص نیکویی برازش	≥ 0.90
GFI	شاخص میزان انطباق	≥ 0.90
RMR	میانگین مجذور پس مانده‌ها	نزدیک به صفر
CFI	شاخص برازندگی تطبیقی	≥ 0.90
TLI	شاخص توکر-لویس	≥ 0.90
IFI	شاخص برازندگی فزاینده	≥ 0.90
RFI	شاخص برازش نسبی	≥ 0.90
NFI	شاخص نرم شده برازندگی	≥ 0.90
PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	≥ 0.5
PNFI	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	≥ 0.5
PRATIO	نسبت اقتصاد	≥ 0.5
RMSEA	ریشه دوم میانگین خطای تقریب	≤ 0.08

جدول ۱۲: شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش (Fit Index)

شاخص	حد مطلوب	شاخص تناسب مدل ساختاری کل
X2/df	۳ و کمتر	۱٫۶۱
RMR	نزدیک به صفر	۰٫۰۱۹
GFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۰۵
AGFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۰۴
NFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۱۲
RFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۴۶
IFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۴۸
TLI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۰۸
CFI	۰/۹ و بالاتر	۰٫۹۰۵
PRATIO	۰/۵ و بالاتر	۰٫۵۰۱
PNFI	۰/۵ و بالاتر	۰٫۵۰۱
PCFI	۰/۵ و بالاتر	۰٫۶۶۷
RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰٫۰۳۷



شکل ۲: مدل اندازه گیری (تخمین استاندارد)

جدول ۱۳: شاخص کای دو نسبی و سطح معناداری مدل

کای دو نسبی	P-value	درجه آزادی	کای دو
۱/۱۶۹	۰/۱۶۹	۳	۳/۵۰۸

جدول ۱۴: شاخص‌های برازش مدل

	RMR	GFI	AGFI
مقدار قابل قبول	<0.05	>0.9	>0.9
مدل پژوهش	۰/۰۲۵	۰/۹۳۵	۰/۹۱۰

جدول ۱۵: شاخص‌های مقتصد

Model	PRATIO	PNFI	PCFI
مقدار مطلوب	>0.5	>0.5	>0.5
مدل پژوهش	۰/۵۵۹	۰/۶۴۴	۰/۵۳۸

جدول ۱۶: شاخص‌های تطبیقی

CFI	TLI rho2	IFI Delta2	RFI rho1	NFI Delta1	مقدار مطلوب
۰/۹۹۲	۰/۹۵۶	۰/۹۹۲	۰/۹۰۵	۰/۹۸۳	نزدیک به ۱
مدل پژوهش					

جدول ۱۷: شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد

سطح معناداری	حد بالا	حد پایین	RMSEA
۰/۳۴۰	۰/۱۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶
مدل پژوهش			

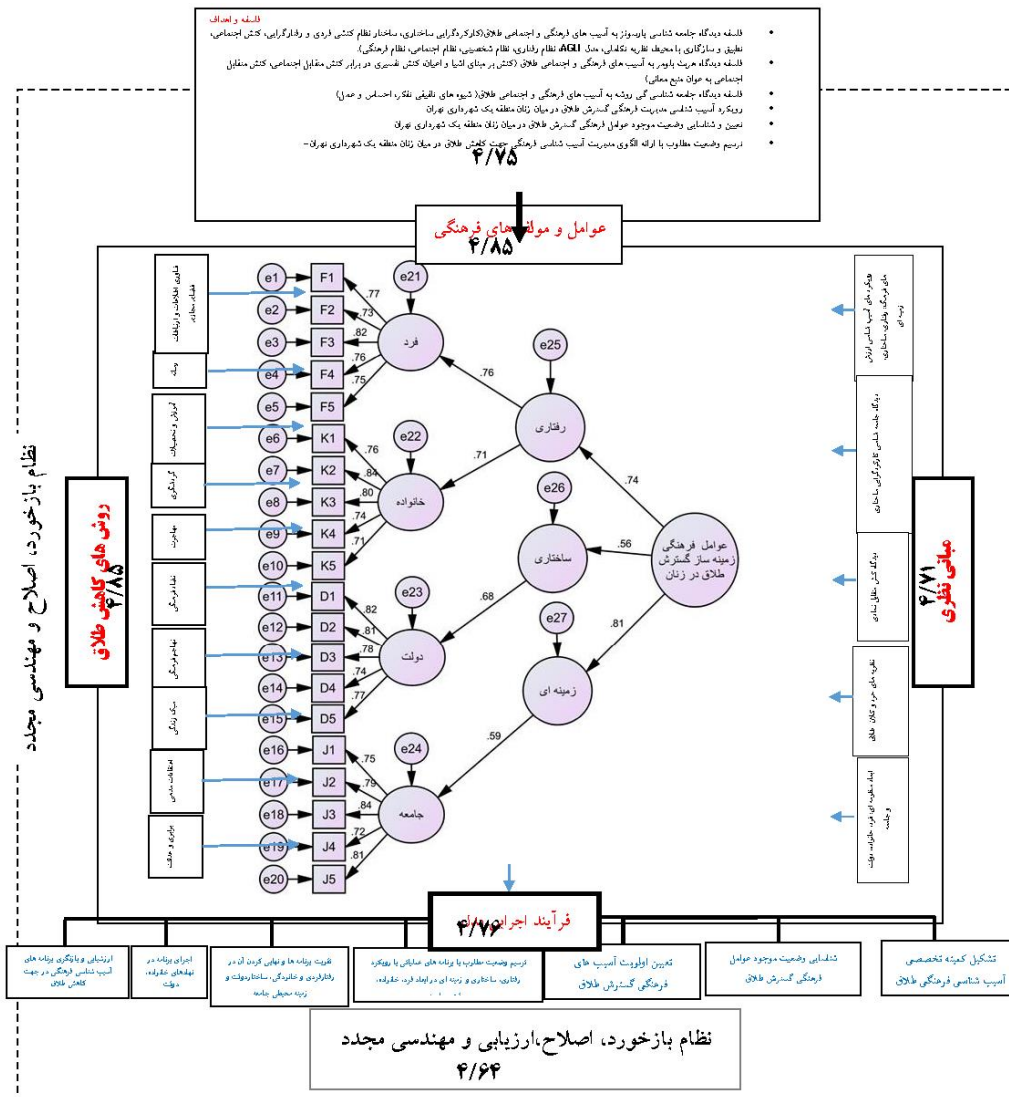
جدول ۱۸: بارهای عاملی مدل اندازه گیری و سطح معناداری آن‌ها

رابطه	بار عاملی تخمین استاندارد	نسبت بحرانی Cr	سطح معناداری
فرد ← F1	۰/۷۷	۸/۹۵	<۰/۰۰۱
فرد ← F2	۰/۷۳	۸/۵۵	<۰/۰۰۱
فرد ← F3	۰/۸۲	۹/۴۲	<۰/۰۰۱

رابطه	بار عاملی تخمین استاندارد	نسبت بحرانی Cr	سطح معناداری
فرد ← F4	۰.۷۶	۸.۸۶	<۰/۰۰۱
فرد ← F5	۰.۷۵	۸.۷۵	<۰/۰۰۱
خانواده ← K1	۰.۷۶	۸.۸۶	<۰/۰۰۱
خانواده ← K2	۰.۸۴	۹.۶۲	<۰/۰۰۱
خانواده ← K3	۰.۸۰	۹.۲۸	<۰/۰۰۱
خانواده ← K4	۰.۷۴	۸.۶۳	<۰/۰۰۱
خانواده ← K5	۰.۷۱	۸.۳۵	<۰/۰۰۱
دولت ← D1	۰.۸	۹.۲۵	<۰/۰۰۱
دولت ← D2	۰.۸۱	۹.۳۹	<۰/۰۰۱
دولت ← D3	۰.۷۸	۹.۰۱	<۰/۰۰۱
دولت ← D4	۰.۷۴	۸.۶۸	<۰/۰۰۱
دولت ← D5	۰.۷۷	۸.۹۳	<۰/۰۰۱
جامعه ← J1	۰.۷۵	۸.۷۷	<۰/۰۰۱
جامعه ← J2	۰.۷۹	۹.۱۲	<۰/۰۰۱
جامعه ← J3	۰.۸۴	۹.۶۷	<۰/۰۰۱
جامعه ← J4	۰.۷۲	۸.۴۵	<۰/۰۰۱

جدول ۱۹: مقادیر بارهای عاملی استاندارد شده و شاخص‌های روایی و پایایی سازه‌ها

رابطه	بار عاملی تخمین استاندارد	AVE	CR
فرد ← F1	۰.۷۷**	۰/۵۸	۰/۸۷
فرد ← F2	۰.۷۳**		
فرد ← F3	۰.۸۲**		
فرد ← F4	۰.۷۶**		
فرد ← F5	۰.۷۵**		
خانواده ← K1	۰.۷۶**	۰/۵۹	۰/۸۸
خانواده ← K2	۰.۸۴**		
خانواده ← K3	۰.۸۰**		
خانواده ← K4	۰.۷۴**		
خانواده ← K5	۰.۷۱**		
دولت ← D1	۰.۸**	۰/۶۰	۰/۸۸
دولت ← D2	۰.۸۱**		
دولت ← D3	۰.۷۸**		
دولت ← D4	۰.۷۴**		
دولت ← D5	۰.۷۷**		
جامعه ← J1	۰.۷۵**	۰/۶۱	۰/۸۸
جامعه ← J2	۰.۷۹**		
جامعه ← J3	۰.۸۴**		
جامعه ← J4	۰.۷۲**		
جامعه ← J5	۰.۸۱**		



شکل ۲: الگوی آسیب‌شناسی عوامل فرهنگی گسترش

طلاق و الگوی مدیریتی کاهش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران

بحث و نتیجه گیری

در بحث عوامل فرهنگی "فناوری اطلاعات و ارتباطات" مولفه‌های "اینترنت و فضای مجازی" و "تجهیزات ارتباطی مدرن و اینترنت همراه و تلفن‌های همراه هوشمند" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان استفاده زنان منطقه یک تهران از شبکه‌های اجتماعی مجازی نامحدود ارتباطی مانند فیس بوک و تانگو و شبکه‌های غیر مجاز و مستهجن با رویکرد آسیب‌شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و در همه موارد فوق زمینه ساز بودن این مولفه‌ها در گسترش طلاق میان زنان مورد تایید قرار

گرفت. همچنین در استفاده زنان منطقه یک شهرداری تهران از تجهیزات مدرن ارتباطی مانند تلفن‌های همراه هوشمند با رویکرد آسیب‌شناسی منظومه‌ای رفتار فردی، ساختار دولتی و محیط زمینه‌ای جامعه به عنوان عامل زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران مشخص گردید. در بحث عوامل فرهنگی "رسانه" مولفه‌های "ماهواره" و "فیلم و سینما" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان استفاده زنان منطقه یک شهرداری تهران از فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای با رویکرد آسیب‌شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و در همه موارد فوق

گردید، در این میان گردشگری با رویکرد آسیب شناسی ساختار دولتی با توجه به کم اهمیت بودن به عنوان عامل فرهنگی مورد تایید قرار نگرفت و این امر نشان می‌دهد که ساختار دولت در بخش گردشگری در گسترش طلاق زنان زمینه ساز نیست. در بحث عوامل فرهنگی "مهاجرت" مهاجرت‌های خارج از کشور و برخی مهاجرت‌های داخل کشور به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان مهاجرت‌های خارج از کشور با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و همه موارد به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز در گسترش طلاق میان زنان منطقه یک شهرداری تهران مشخص گردید، به بیان دیگر می‌توان گفت رفتار افراد و خانواده در اقدام به مهاجرت و ساختار مہیای و بدون مشکل دولت برای مهاجرت افراد و در نهایت فراهم شدن محیط زمینه‌ای مهاجرت به کشورهای خارجی در افراد جامعه، همگی می‌توانند به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران تلقی گردند. در این میان فقط مهاجرت‌های داخل کشور با رویکرد "رفتار فردی" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران مورد تایید و مشخص گردید. نه رفتار خانوادگی و نه ساختار دولت و نه محیط زمینه‌ای جامعه هیچ کدام زمینه ساز نیستند. در بحث عوامل فرهنگی "تجملات" مولفه‌های "تجملات زندگی" و "تجملات شهری" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان تجملات زندگی افراد با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای رفتار خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و در سه مورد فوق زمینه ساز بودن این مولفه‌ها در گسترش طلاق میان زنان مورد تایید قرار گرفت. ولی در بخش تجملات شهری، فقط رویکرد آسیب شناسی رفتار فردی در استفاده و بهره مندی افراد از مناطق و نواحی با کلاس شهری از نظر امکانات و موقعیت بالای شهری و سایر موارد که نشان دهنده تجملات شهری باشد مورد بررسی و تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر ضعف در نگرش و رفتار فردی افراد از عدم برخورداری از مناطق تجملاتی شهری مثل منطقه یک و دو و سه تهران به دلیل قیمت بالای املاک، وجود امکانات شهری، وجود ثروتمندان

زمینه ساز بودن این مولفه‌ها در گسترش طلاق میان زنان مورد تایید قرار گرفت. ولی در بخش فیلم و سینماهای داخل کشور، فقط رویکرد آسیب شناسی رفتار فردی در بهره مندی از فیلم و سینما و ساختار دولتی در ایجاد محتوای مناسب با هدف تحکیم خانواده مورد بررسی و تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر ضعف در رفتار فردی از برداشت‌های متفاوت از محتوای فیلم‌های اکران شده در سینما و ضعف ساختار نظارتی در اخذ مجوز اکران می‌توانند در رویکرد آسیب شناسی رفتاری فرد و ساختاری دولت به عنوان عامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران تلقی گردند. در بحث عوامل فرهنگی "آموزش و تحصیلات" مولفه‌های "تحصیلات دانشگاهی" و "آموزش مهارت‌های زندگی" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان اهمیت "آموزش مهارت‌های زندگی" در تحکیم زندگی مشترک و کاهش طلاق با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و در همه موارد فوق زمینه ساز بودن این مولفه‌ها در گسترش طلاق میان زنان مورد تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر ضعف آموزش مهارت‌های زندگی در ابعاد رفتار فردی و خانوادگی و ساختار دولتی و همچنین محیط زمینه‌ای جامعه می‌تواند در گسترش طلاق زنان زمینه ساز گردد. ولی در بخش "تحصیلات دانشگاهی"، فقط رویکرد آسیب شناسی "رفتار خانوادگی" مورد بررسی و تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر ضعف برداشت و نگرش رفتار خانواده‌ها از میزان تحصیلات بالای دانشگاهی اعضاء خانواده خود می‌توانند در رویکرد آسیب شناسی رفتار خانوادگی به عنوان عامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران تلقی گردند.

در بحث عوامل فرهنگی "گردشگری" مسافرت‌های سیاحتی و تفریحی به برخی کشورهای نامناسب فرهنگی به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان مسافرت‌های سیاحتی و تفریحی از طریق سیستم گردشگری به برخی کشورهای نامناسب فرهنگی با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز در گسترش طلاق میان زنان منطقه یک شهرداری تهران مشخص

مورد تهاجم از سوی غرب در رفتارهای فردی افراد ظهور کرده و به عنوان یک پدیده ناپسند و مغایر فرهنگ ایرانی و اسلامی تجلی پیدا می‌کند. در بحث عوامل فرهنگی "سبک زندگی" نوگرایی و مدرن شدن، حاکمیت مردان بر نوایس، پدیده ازدواج سیید و مصرف گرایی به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، "نو و مدرن شدن" مطابق با زمان و مکان برای افراد در تمامی رویکردها؛ رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه حائز اهمیت است و می‌تواند زمینه ساز گسترش طلاق را در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران را فراهم می‌نماید به عبارت دیگر عدم توانایی افراد به مدرن شدن در زندگی و گرایش به نوگرایی در نگرش و رفتار فردی و خانوادگی و همچنین ضعف ساختار نهادهای دولتی در ارائه خدمات و محصولات مطابق با جوامع روبه رشد و توسعه یافته و تبع آن محیط زمینه‌ای جامعه‌ای که از سایر جوامع از نظر رشد و توسعه جامانده باشد، می‌توانند به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق تلقی گردند.

"کاهش حاکمیت مردان بر نوامیس" به معنای عدم حساسیت و پاسخ مناسب مادی و معنوی مردان به احساسات مثبت و منفی زنان خود می‌تواند در رویکردهای رفتار فردی، خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق تلقی گردد. به بیان دیگر عدم حساسیت و پاسخ مناسب مادی و معنوی مردان به احساسات مثبت و منفی زنان با نگرش و رفتار فردی و خانوادگی که یک نوع ابراز احساسات و عواطف مردان را نسبت به زنان ایجاد می‌کند و در ابعاد رفتار فردی و خانوادگی می‌تواند زمینه ساز گسترش طلاق‌های عاطفی و در نهایت طلاق در زنان منطقه یک شهرداری تهران را فراهم نماید. در این میان ضعف ساختار نهادهای دولتی در فراهم آوردن این عدم حساسیت با ایجاد برخی فعالیتها (بیکاری، درآمد پایین، و...) و به تبع آن با به وجود آمدن محیط زمینه‌ای این پدیده در جامعه به عنوان یک فرهنگ، زمینه‌های گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران را فراهم می‌کند. "کاهش قبح طلاق" در رفتار فردی و خانوادگی هیچ گونه زمینه ساز طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران را فراهم ننموده است بلکه پدیده جدایی و طلاق هنوز در میان زنان و خانواده آنان یک امر ناخوشایند و قبیح تلقی می‌گردد که در آینده می‌تواند آثار منفی

جامعه و همچنین موقعیت جغرافیایی بالای شهر به عنوان عامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران تلقی می‌گردد. در بحث عوامل فرهنگی "تضاد فرهنگی" مولفه‌های "تضاد عقاید" و "تضاد سلاطین" به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، در این میان تفاوت‌های فردی زندگی افراد در عقاید و سلیقه هایشان با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه مورد بررسی و در همه موارد فوق زمینه ساز بودن این مولفه‌ها در گسترش طلاق میان زنان مورد تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر از تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی در بحث عقاید و سلیقه‌ها برای افراد از نظر رفتار فردی و خانوادگی و ساختار دولتی فراهم شده و همچنین فرهنگی که در زمینه‌های محیطی جامعه باعث ایجاد این تضادها می‌گردد به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران از اهمیت بالایی برخوردار است. در بحث عوامل فرهنگی "تهاجم فرهنگی" مد گرایی از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و رسانه ماهواره به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، افراد با مشاهده برنامه‌های ماهواره‌ای با فرهنگ‌های متفاوت غربی زمینه را برای گرفتن فرهنگ‌های غربی و مبتذل را برای خود فراهم می‌کنند و این امر با رویکرد رفتار فردی و خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه زمینه ساز گسترش طلاق را در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران را فراهم می‌نماید به عبارت دیگر با تهاجم فرهنگی از طریق پیروی افراد در رفتار فردی و خانوادگی خود با الگو قرار دادن فرهنگ‌های جوامع غربی از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و همچنین ضعف ساختار دولت در کنترل این معضل و ضعف تقویت فرهنگ ایرانی و اسلامی در ارائه خدمات و محصولات فرهنگی از طریق نهادهای متولی فرهنگ و نیز به تبع آن تاثیر در جامعه به عنوان یک پدیده ضد فرهنگ داخلی، در محیط زمینه‌ای جامعه موجب فراهم شدن تهاجم فرهنگی می‌گردد. ولی در این میان مد گرایی و پیروی افراد از برندهای مطرح و مدهای غربی در زندگی فقط با رویکرد آسیب شناسی منظومه‌ای "رفتار فردی" مورد تایید و زمینه ساز در گسترش طلاق میان زنان می‌باشد. به عبارت دیگر از گرایش رفتاری افراد به پیروی از مد و برندهای مطرح جهان غرب به عنوان یک پدیده فرهنگی

می‌تواند زمینه ساز طلاق گردد و سایر ابعاد و رویکردها مانند عدم رعایت حجاب و عفاف از سوی خانواده‌ها و همچنین ضعف ساختاری نهادهای فرهنگی دولت و محیط زمینه‌ای جامعه تاثیر آنگجانی بر گسترش طلاق ندارد. و اهمیت این امر فقط در رعایت رفتارهای فردی نمود پیدا می‌کند. در انتها، در خصوص بحث عوامل فرهنگی "نابرابری" نابرابری و ناعدالتی و نگرش فمینیستی به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، نابرابری و ناعدالتی در میان زنان و مردان در هر چهار ابعاد و رویکرد یعنی؛ رفتارهای فردی و خانوادگی، ساختارهای دولت و محیط زمینه‌ای جامعه، زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناخته شده است. بدین معنا که وجود نابرابری و عدالت برای زنان در مقابل مردان در همه حوزه‌ها رفتار فردی زنان و رفتارخانوادگی آنان و نیز ضعف ساختار نهادهای دولتی در ایجاد برابری جنسیتی زنان و مردان در مناسبات، تعاملات و فعالیت‌ها و به تبع آن ایجاد یک فرهنگ تک قطبی در محیط زمینه‌ای جامعه برای زنان باعث اختلاف و زمینه ساز گسترش طلاق ایجاد می‌نماید. حال با توجه به درجه اهمیت هر یک از عوامل فرهنگی زمینه ساز به ارائه اولویت بندی آنان می‌پردازیم: رتبه اول: نابرابری (نگرش فمینیست)، رتبه دوم: اعتقادات مذهبی، رتبه سوم: تضاد فرهنگی، رتبه چهارم: سبک زندگی، رتبه پنجم: گردشگری، رتبه ششم: فناوری اطلاعات و ارتباطات (اینترنت و فضای مجازی و...)، رتبه هفتم: آموزش مهارت‌های زندگی و تحصیلات، رتبه هشتم: تجملات زندگی و شهری، رتبه نهم: مهاجرت، رتبه دهم: تهاجم فرهنگی، رتبه یازدهم: رسانه. پس با توجه به اولویت بندی عوامل فرهنگی زمینه ساز مطرح شده می‌توان با در نظر گرفتن هر یک از ابعاد و رویکردهای آسیب شناسی رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای (محیطی) با در نظر گرفتن ابعاد منظومه‌ای فرد، خانواده، دولت و جامعه به ارائه الگوی مدیریتی کاهش طلاق در زنان منطقه یک شهرداری تهران با اتخاذ سبک و الگوی الف: مدیریت فرهنگی رفتارهای فردی و خانوادگی، ب: مدیریت فرهنگی در ساختار نهادهای دولتی و در نهایت به ج: مدیریت فرهنگی زمینه‌ای و محیطی جامعه اشاره و پیشنهاد کرد.

برایشان داشته باشد. لذا این طرز تلقی کاهش قبح طلاق در زنان منطقه یک شهرداری تهران فقط در رویکرد ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه به یک پدیده زمینه ساز طلاق اشاره شده است و این امر نشان می‌دهد که طلاق و جدایی در ساختار دولت با فرآیندی مشخص و آسان برای جدا شدن توافقی زوجین ایجاد گردیده است و تبع آن جامعه نیز با توجه به این ساختار آسان و توافقی، این پدیده را بصورت یک امر کلی که برخی افراد خاص و ویژه با تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب با برگزاری "جشن طلاق" این پدیده را در افراد امری قبیح و روبه کاهش تلقی می‌کند. "پدیده ازدواج سپید" نیز به عنوان یک پدیده غلط و ناپسند جدید در رفتار فردی، خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه به عنوان یک پدیده زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران تلقی می‌گردد. به این معنا که این پدیده ناپسند در نگرش و رفتار فردی و خانوادگی تاثیر سوء و مخربی می‌تواند برای افراد ایجاد کند و ضعف ساختارهای فرهنگی و سایر نهادهای دولتی در نظارت و کنترل و مقابله با این پدیده ناپسند فرهنگی و به تبع سرایت این گونه بی بند وباری‌ها در تعاملات غیر رسمی و غیر عرفی و غیر شرعی میان برخی از زنان و مردان در جامعه، ایجاد یک نوع ناامنی برای زوجین می‌نماید.

در بحث عوامل فرهنگی "اعتقادات مذهبی" بی بند وباری و حجاب و عفاف به عنوان عوامل فرهنگی زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران شناسایی و مشخص گردید، "بی بند وباری" افراد در ابعاد و رویکرد رفتار فردی، خانوادگی، ساختار دولت و محیط زمینه‌ای جامعه می‌تواند زمینه ساز گسترش طلاق در میان زنان منطقه یک را فراهم کند به بیان دیگر عدم رعایت برخی رفتارهای افراد در مناسبات و فعالیت‌های متعارف و طبیعی و متناسب با شان انسانی در ابعاد فردی و خانوادگی می‌تواند در زمینه ساز گسترش طلاق را در میان زنان منطقه یک شهرداری تهران فراهم نماید. به عنوان مثال برگزاری و حضور افراد در پارتهای شبانه به عنوان نوعی رفتارهای فردی بی بند وبار تلقی می‌گردد و در صورت درگیر کردن خانواده‌ها باشد منجر به رفتارهای نامتعارف خانواده‌ها می‌گردد. ولی در این پژوهش "حجاب و عفاف" فقط در ابعاد و رویکرد رفتاری فرد در گسترش طلاق میان زنان منطقه یک تهران مشخص گردیده است. بدین معنا که عدم رعایت حجاب و داشتن عفت رفتار فردی فقط

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی ارتباطات**، تهران، انتشارات اطلاعات.

ساروخانی، باقر؛ ترکمان، فرح؛ اسکافی، مریم؛ (۱۳۹۴)، **اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد**، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، بهار و تابستان ۱۳۹۴ صص ۲۲۵-۲۵۰.

سرمد، زهره، عباس بزرگان و الهه حجازی (۱۳۸۵)، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، انتشارات آگاه سیدعلی تبار، سیدهدادی؛ پورآوری، مینو؛ حبیبی عسگر آباد، مجتبی؛ محمدعلی پور، زینب (۱۳۹۴)، **مقایسه نگرش به روابط فرازنشویی و جهت‌گیری مذهبی کاربران و غیر کاربران شبکه اجتماعی فیس بوک**، فصلنامه خانواده‌پژوهی سال یازدهم شماره ۴۳ پاییز ۱۳۹۴ صص ۲۹۷-۳۰۸.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲)، **آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران**، انتشارات ققنوس.

عبدال سلیم، حاجی لی دوجی، خوجعلی منصور (۲۰۱۲)، **شبکه‌های اجتماعی**، دانشگاه غیرانتفاعی شمس‌گنبد.

عبدالملکی، مریم؛ آزاده، منصوره اعظم؛ قاضی نژاد، مریم (۱۳۹۴)، **رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به روابط فرازنشویی در بین زوجین شهر قروه**، فصلنامه خانواده‌پژوهی سال یازدهم شماره ۴۳ تابستان ۱۳۹۴ صص ۳۰۹-۳۳۲.

قاسمی، وحید (۱۳۸۹)، **مدل سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos**، انتشارات: جامعه‌شناسان.

کاملی، محمدجواد (۱۳۸۱)، **بررسی وضعیت طلاق جوانان** (گزارش ملی جوانان).

کاملی، م (۱۳۸۶)، **بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیباجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود**، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۹، شماره ۳.

کلارک استوارت، آلیسون؛ برنتانو، کرنلیا (۱۳۹۲)، **طلاق؛ علل و پیامدها**، مترجمان: دکتر سعیدصادقی، مجتبی ناجی، محمودمحمدزاده، دکتر نفیسه کریمیان، انتشارات پیغام دانش (چاپ پنجم).

منابع و ماخذ

ابراهیم پور کومله، سمیرا، خزایی، کامیان (۱۳۹۴)، **آسیب‌های نو پدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: سروش.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، **فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن**، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی خانواده ایرانی**، نشر سمت، تهران.

پناغی، لیلی و همکاران (۱۳۹۵)، **جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی**، فصلنامه خانواده‌پژوهی سال دهم شماره ۴۶ تابستان ۱۳۹۵ صص ۱۷۹-۱۹۶.

تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

خبرگزاری برنا، (۱۳۹۵)، **ماجرای خانم‌های پایتخت نشین که دوست دارند جدا شوند**، همه چیز توافقی، خبرگزاری برنا کد خبر ۴۰۶۸۸۴.

رحمانی فیروزجاه، علی؛ سهرابی، سعیدیه (۱۳۹۴)، **خوانش و رمزگشایی مخاطبان زن از فیلم‌های عامه‌پسند شبکه‌های ماهواره**، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ستا ۱۳ شماره ۴ زمستان ۱۳۹۴ صص ۷-۲۸.

رحمت‌اللهی، فرحناز (۱۳۸۵)، **آسیب‌شناسی زندگی زنانشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب‌شناسی زندگی زوجین**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

رنال ای. شوماخر و ریچارد جی. لومکس (-)، **مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری**؛ ترجمه قاسمی وحید؛ تهران.

روشه، گی (۱۳۷۹)، **کنش اجتماعی**، ترجمع هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیان.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران، انتشارات سمت.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، **طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**، تهران، دانشگاه تهران.

- نوابخش، مهرداد؛ پوریوسفی، حمید (۱۳۸۵)، نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان، پژوهش دینی، شماره چهاردهم. زمستان ۱۳۸۵ صص ۷۱-۹۳.
- هومن، ح. (۱۳۸۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. چاپ سوم، تهران: سمت.
- Aldous, J., and Dumon, W. (1990). **Family policy in the 1980s: controversy and consensus.** Journal of marriage and the family, 52, 1136-1151.
- Bramlett, M. D., and Mosher, W. D. (2002). **Cohabitation, marriage, divorce and remarriage in the united states.** National center for health statistics vital health statistics, 23-22.
- Chen, Yuchuan (2017) **A study of Rorschach variables assessing interpersonal relationships among married and divorced individuals.** ALLIANT INTERNATIONAL UNIVERSITY, 2017, 83 pages. Dissertations & Theses – Gradworks.
- Cherlin, A. J. (1998). **Marriage and marital dissolution among black American's** journal of comparative family, 29, 147-158.
- Clarke, S. C. (1995). **Advance report of final divorce statics, 1989 and 1990.** Monthly vital statistics report, 43.
- Durko, Angela M. Stone, Matthew J. (2017) **Even lovers need a holiday: Women's reflections of travel without their partners.** Tourism Management Perspectives. Volume 21, January 2017, Pages 18-23.
- Frisco, M. I., and Williams, K. (2003). **Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households.** Journal of family issues, 24, 51-73.
- Ganong, Lawrence, Coleman, Marilyn (2017) **Pathways to Stepfamily Living. Stepfamily Relationships, Development, Dynamics, and Interventions.** p37-60.
- Gottman, J. M. (1994a). **an agenda for marital therapy.** In S. M. Johnson and L. S. Greenberg. The heart of the matter: perspective on emotion marital therapy (pp.256-293).
- Gottman, J. M. (1994b). **what predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcome.** Hillsdale, N. J.: Erlbaum.
- Gottman, J. M. (1998). **Toward a process model of men in marriages and families. In a booth and A. C. Crouter. men in families: when do they get involved?** Pp.149-192.
- کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، در فرا تحلیلی از آثار و پیامدهای طلاق..
- کلانتری، خ. (۱۳۸۸). **مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی اقتصادی.** تهران: فرهنگ صبا.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام (۱۳۹۳)، طلاق در ایران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول ۱۳۹۳.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشد. تهران: نشر نی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰) در آمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی تهران فرهنگ معاصر.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ ملک پور شهرکی، علیرضا (۱۳۹۴). **بررسی تاثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهر کرد.** مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۱ بهار ۱۳۹۴ صص ۱۶۷-۱۹۴.
- گی‌روشه (۱۳۷۹) **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز،** ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی،** ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی، ۱۳۸۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **مبانی جامعه‌شناسی،** ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مدیری، فاطمه؛ مهدوی، محمدصادق (۱۳۹۴)، **ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران،** فصلنامه خانواده پژوهی سال یازدهم شماره ۴۳ پاییز ۱۳۹۴ صص ۲۹۶-۲۸۱.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۵) **خانواده‌های مهاجر روستایی و زمینه‌های طلاق،** جمعیت، سال ۵ شماره ۱۵ و ۱۶.
- مسترجمی، سیدعیسی؛ محمدپورمیر، زهرا (۱۳۹۵)، **نقش حجاب در پیشگیری از طلاق با تاکید بر نقش رسانه.** نخستین همایش ملی الگوی خانواده سالم با محوریت پیشگیری از طلاق. دانشگاه سمنان ۱۳۹۵.
- موسوی، مهری سادات (۱۳۹۵)، **بازنمایی معنایی طلاق توافقی،** فصلنامه خانواده پژوهی سال دوازدهم شماره ۴۶ تابستان ۱۳۹۵ صص ۲۸۷-۳۰۴.

- Kreider, r.m., and fields,j.m. (2001). **Number, timing, and duration of marriage and divorces: fall 1996.**p70-80.
- Lee, M (2002). **A Model of children's post-divorce behavioral adjustment in maternal and dual residence arrangements. Journal of family issues.**23, 672-382.
- McDaniela, Brandon T. Drouinb, Michelle. Cravensc, Jaclyn D (2017).**Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. Computers in Human Behavior.** Volume 66, January 2017, Pages 88–95
- Nimkoff,m,f.,and ogburn,w.f. (1934).**the family. Boston: Houghton Mifflin.**
- Treas,j.,and giesen,d. (2000). **Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. Journal of marriage and the family,**62 (48-60.
- Wadsby, m., and Svedin, c.g. (1992). **Divorce: different experiences of men and women. Family practice.**9,451-460.
- Whisman, M.A.sheldon,C.T,and Goering ,p. (2000).**psychiatric disorders and dissatisfaction with social relationship: Does type of relationship matter? Journal of abnormal psychology,** 109,803-808.
- Whisman, Mark A. South Susan C (2017). **Gene–environment interplay in the context of romantic relationships. Current Opinion in Psychology.** Volume 13, February 2017, Pages 136–141.
- White,L.,and Rogers, S.J. (2000).**Economic circumstances and family,**62,1035-1051.
- Wiseman,R.s. (1975).**crisis theory and the process of divorce. Social casework,**56.205-212